

میراث‌نامه

در نامه‌ای به رییس سازمان میراث اعلام شد

اعتراض NGOها به کوچک‌شدن بافت تاریخی یزد

■ شرق: بافت تاریخی یزد که از آن به عنوان بزرگ‌ترین بافت تاریخی دنیا و نخستین شهر خشتی جهان یاد می‌شود، با تصویب شورای شهر یزد و تفکیک بافت‌های فرسوده از بافت تاریخی، کوچک می‌شود. شهر یزد دو هزار و ۶۰۰ هکتار بافت فرسوده دارد که از این میزان حدود ۵۱۹ هکتار آن تاریخی، با بناهای بارزش است و ساماندهی، حفظ و نگهداری ۵۱۹ هکتار بافت تاریخی خود کاری بس دشوار و نیازمند مدیریتی قوی و مبتکرانه‌ست.

بافت تاریخی یزد گرچه یکی از بی‌نظیرترین بافت‌های تاریخی دنیا به‌شمار می‌رود اما ساماندهی آن طی سال‌های اخیر به معضلی برای ساکنان آن و مسوولان امر تبدیل شده‌ است. قرار گرفتن بافت تاریخی و بافت فرسوده در بطن یکدیگر از یک سو سبب از بین رفتن منظر تاریخی این بافت و از سوی دیگر دشواری ساماندهی بافت تاریخی شده‌ است. این روزها بافت تاریخی یزد در حالی گامی بزرگ به سمت ثبت جهانی برداشته‌ است که مشکلات ریزورث در همچنان این بافت را تهدید می‌ کند. بافت تاریخی یزد تاکنون از آن جهت حایزاهمیت بوده‌ است که با وجود قدمت بالا همچنان به واسطه جریان داشتن زندگی در آن، پویا و پاشاپ بود اما اکنون کمبود امکانات رفاهی، عدم رغبت به بازسازی و مرمت، کمبود امکانات شهری و… سکونت در این بافت را دچار مشکل کرده و ساکنان به تدریج این منطقه را ترک می‌کنند.

با رفتن ساکنان و صاحبان اصلی بافت تاریخی، اتباع بیگانه به این بافت هجوم آورده‌اند و دیگر در پس درهای چوبی خانه‌های قدیمی، چهره زنان و مردان و کودکان یزدی مشاهده نمی‌شود و افزاینه به ساکنان اصلی این بافت تبدیل شده و آن را به سیطره خود در آورده‌اند. هراز گاهی برخی خانه‌هانیز به دلیل عدمسکونت و عدممرمت و بازسازی به تلی از خاک تبدیل می‌شوند و قسمتی از تاریخ و هنر معماري را به مثنی کاهگل تبدیل می‌کنند.

در همین حال ۳۴ انجمن مردم‌نهاد استانی در یزد و کشوری با ارسال نامه‌ای به حسن موسوی، رییس سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری به اقدامات شورای شهر یزد نسبت به این بافت تاریخی اعتراض کردند، در بخشی از این نامه آمده‌ است:
چند تن از اعضای شورای شهر یزد در اقدامی بی‌سابقه ثبت ملی بافت تاریخی یزد را، که از نامزدهای طرح در فهرست میراث



جهانی است، غیرقانونی اعلام کرده و پا را فراتر از حیطه قانونی وظایف خود قرار داده و سازمان میراث فرهنگی کشور را فقط درخصوص ثبت ملی تک‌بناها دارای صلاحیت قانونی معرفی کرده‌اند. مستحضرید عدم‌برخورد قانونی و منطقی بااین گونه اظهارهای غیر کارشناسی که اعتبار و وجهت ملی کشور را در برابر نهادهایی بین‌المللی هم‌معجون یونسکو که کارشناسان آن آگاهانه اظهارنظرها را رصد می‌کنند، بسیار حایزاهمیت است و پیگیری جدی آن را می‌طلبد تا مبدا اظهارنظر درخصوص ختمشسی قانونی یک سازمان کشوری توسط نمایندگانف در شورای شهر باعث بدعت‌هایی جدید شود.

بنابراین ما جمعی از سازمان مردم‌نهاد دوستدار میراث فرهنگی به نمایندگی از مردم ایران و دوستداران بافت تاریخی یزد در سراسر جهان، خواستار ایفای حقوق قانونی سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری در دفاع از حقوق مردم شهر یزد و شکایت قانونی تا حصول نتیجه سازمان از خاطلیان و طراحان طرح‌های تخریبی و توسعه‌ای توسط شورای شهر یزد و برخورد با اظهارنظرهای تکراری و تهیه طرح‌های غیرکارشناسی و مخرب درخصوص بافت تاریخی یزد و سایر بافت‌های تاریخی در سراسر کشور و ادامه ثبت ملی بافت‌های تاریخی و ارزشمند دیگر شهرهای ایران هستیم.»

اسامی انجمن‌های امضاکننده این نامه به این شرح است: -انجمن تار یانا خوزستان - انجمن دوستداران میراث فرهنگی افسار - انجمن ایلام‌شناسی -انجمن اسفندگان- انجمن معماران ایران - انجمن کهنه‌نژ همدان - کانون آینده‌نگری ایران -انجمن جوانان سپید پارس بابل -بنیاد فردوسی -انجمن پاسداشت مفاخر ایران -موسسه علمی - فرهنگی آینده‌نگر - بنیاد فرهنگی سبیلین عبدالله شوشتری - کانون حافظان میراث فرهنگی تهران قدیم -انجمن بوم آب و آفتاب خوزستان- شبکه انجمن‌های دوستدار میراث فرهنگی استان یزد - شورای تشکل‌های گردشگری استان یزد - انجمن دوستداران و حافظان خشت‌خام- انجمن راهنمایان تور استان یزد ۵-انجمن چارسوق کویر اردکان -انجمن مهرپادین مهریز - انجمن سرریز - انجمن مهرورزان جوان - انجمن دکتر چمران -انجمن فکر برتر.

بافت تاریخی دهدشت نیازمند محافظت و مرمت اصولی است

بلادشاپور آماج تخریب و تغییر

فروغ صادقی



گذشته از رهگذر بی‌توجهی مسوولان و نبود یک برنامه جامع و بلندمدت مدون بهشدت آسیب دیده‌است؛ آسیب بی‌سببشده‌ ما و آیندگان را از داشتن اطلاعاتی ارزشمند محروم کند. حال آنکه می‌شد با دلسوزی، حساسیت، گفت‌وگو، برنامه‌ریزی و تدبیر بر بخش زیادی از این آسیب‌ها و چالش‌ها چیره شد. این بافت تاریخی دارای چنان وضعیت رقت‌باری است که با داشتن یک پایگاه و اختصاص دهد. این خبر در همان روزهای ابتدایی انتشار امیدهای بسیاری را برای دوستداران میراث فرهنگی و بافت تاریخی بلادشاپور دهدشت زنده کرد چرا که خانه‌ها و آغل گوسفندان بسیاری از ساکنان این شهر در دل بافت و خانه‌های تاریخی آن واقع است؛ با این حال با وجود گذشت پنج سال از این تاریخ هنوز بخش زیادی از املاک

تاریخی تصرف شده واقع در این بافت آزادسازی نشده، به گونه‌ای که «رحیم دادی‌نژاد»، معاون حفظ و احیای اداره کل میراث فرهنگی این استان از تملک تنها نصف املاک واقع در بافت تاریخی خبر می‌دهد. «دادی‌نژاد» به خبرگزاری میراث در این رابطه گفته است: «بخشی از اعتبار دومیلیاردتومانی سفر اول هیات دولت به استان جذب شد و در حدود ۵۰ درصد املاک واقع در محدوده بافت خریداری شده‌ است، بخش دیگر هم در حال برنامه‌ریزی بوده و منتظر دریافت بودجه‌های لازم هستیم»

علاوه‌بر این مسوولان میراث فرهنگی استان کهگیلویهوبویراحمد، بخشی از اعتبار دومیلیارد تومانی سفر اول هیات دولت برای حفاظت از بافت تاریخی بلادشاپور در شهر دهدشت را به احداث فنس کشی سیمی در اطراف این محوطه اختصاص داده‌اند. حال آنکه به اعتقاد کارشناس میراث فرهنگی این اقدام به معنای تحریف و تغییر علمانده بافت تاریخی قلمداد می‌شود و اصالت اثر را دستخوش آسیب و تغییرات اساسی می‌کند. این در حالی است که کارشناسان بر این عقیده هستند ایجاد چنین حصاری، به معنای دست بردن در اصالت تاریخی اثر است.

دکتر محمود دهقانی استاد دانشگاه تکنولوژی سیدنی استرالیا چندی پیش به دهدشت سفر کرد و از بافت تاریخی بلادشاپور دیدن کرد، او در این‌باره می‌گوید: «وقتی برای پژوهش در راستای تاریخ معماری پراوازه دره صفویه از طرف دانشگاه تکنولوژی سیدنی استرالیا به این شهر قدم سسی من بر این شد تا پیش از هر چیز از نخستین پایتخت آن دومان، تبریز، دیدن کنم.

پس از تبریز به دومین پایتخت صفوی‌ها، قزوین، رفتم. هدفم از این تقسیم‌بندی این بود تا با آشنا شدن به آغاز کار شهرسازی آن دومان، در تبریز و قزوین، به دیدار ساختمان‌ها و نقش‌ونگارهای فیروزهای سومین پایتخت صفویه، اصفهان، بروم. در نظر داشتم اطلاعاتی مکتوب از شهرستان دهدشت در استان کهگیلویهوبویراحمد نیز به دست بیآورم ولی آگاه شدم که کارهای پژوهشی عمیق، به‌ویژه در گستره تاریخ معماری، در شهرهای کوچکی چون دهدشت صورت نگرفته‌ است. در این مورد خاص، تنها تاریخ‌نویس و جهانگرد اروپایی‌ای هم که صحبتی به میان آورده «هانس گایبه» است که تهیه کتاب‌هایش در خارج آسان‌تر از خود دهدشت است. هانس گایبه، ضمن مطالعه آثار پیشینیان از جمله احسن التقاسیم مقدسی، برای پژوهش درباره شهرسازی به دهدشت سفر کرده‌ است. هر چند استو کلر، بل، استین و هارینس هم دهدشت را توصیف کرده‌اند اما در تحقیقات این چندان‌به ساختمان‌های شهر اشاره نشده که چه کسی آنها را ساخته‌ است. ولی هانس گایبه می‌نویسد: «این را باید تنها نمونه معماری و شهرسازی دوران صفویه دانست.»

او می‌افزاید: «ولین برخورد من برای آشنایی با ساختمان‌های مخروطی‌ه‌ای که در میان‌شان خانه‌های دو طبقه و حتی سه طبقه هم وجود داشت، وجود یک حمام بسیار زیبا بود که شباهت بسیاری به دیگر حمام‌های دوران صفویه کرمان و اصفهان داشت. یک کاروانسرا نیز با سبکی بسیار زیبا و منحصر‌بفرد، نظر هر تازه‌واردی را به خود جلب می‌کرد. متأسفانه، مانند همه جای ایران، در دهدشت پس از انقلاب سودجویان کارهای ناشایستی انجام داده بودند؛ خانه‌هایی که پیدا بود تا یک دهه پیش از انقلاب پا پا برجا بوده، هم‌اکنون به تلی از خاک‌ریزه و قلوه‌سنگ تبدیل شده بودند و مردم با کامیون سنگ‌های ساختمان‌های تاریخی را در شب کنده و برای ساختمان‌های نوساز و آن هم زشت و بدقواره، حمل کرده و با خود برده بودند. برخی از مردم در خانه‌های نیمه‌مخروطیه‌بافت قدیم، ساختمان‌های تاریخی را به طویل‌ه جانوران اختصاص داده بودند و خودسرانه در بافت قدیم برای خود خانه ساخته بودند.

در همین حال نوروز رجبی، باستان‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد مروشد در رابطه با این بافت تاریخی در یادداشتی می‌نویسد:

بافت معماری و شهری بلادشاپور (دهدشت قدیم) یکی از سالم‌ترین و دست نخورده‌ترین بافت‌های شهری ایران، خاصه در دوره اسلامی بود که با تاسف طی دوده‌ه

میراث

گزارش خبری

ساخت کاسه‌های جادویی در دوره ساسانیان

■ chn: محققان موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا با ترجمه متن نوشته‌شده روی چندین کاسه به‌جامانده از دوران ساسانیان که از شهر نیپور در عراق به دست آمده، متوجه خواص این کاسه‌ها شدند. به اعتقاد آنها این کاسه‌ها برای کارهایی جادویی و دفع شر شیاطین مختلف از صاحب آن ساخته شده بود و روی آن فهرست بلندی از شیاطین، ارواح و دیگر چهرهای شیطانی آمده‌ است. تعدادی کاسه از دوره ساسانیان که هم‌اکنون در موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکانهقداری می‌شود از شهر نیپور عراق به دست آمده‌ است. در سال‌های ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی پخش عمده‌ای از خلورمیان‌ه تحت تأثیر امپراتوری ساسانی بوده‌ است. از این دوره، کاسه‌هایی به دست آمده که روی آن متن‌های آرامی به چشم می‌خورد که بر اساس تحقیقات انجام گرفته مشخص شد در این متن‌ها فهرست بلندی از شیاطین، ارواح و چیزهای شیطانی نام برده شده‌ است. محققان دانشگاه پنسیلوانیا معتقدند این کار به منظور در امان نگه داشتن صاحبان اشیا از آسیب رساندن شیاطین انجام می‌گرفت. سازندگان ساسانی این ظروف همچنین در مواردی برای تأثیر بیشتر، نقش شیاطین را در حال غرق شدن، در وسط این کاسه‌ها کشیده‌اند. در برخی موارد نیز به صورت مشخص نام خانواده سفارش دهنده کاسه با مشکلات خاص آنها روی کاسه درج می‌شد به عنوان مثال عبارتی که از روی یکی از کاسه‌های به دست آمده، چنین است: «از نفرین کارمند و کارفرما که دستمزد را به سرقت برده و از نفرین برادران که دادگرانه و صادقانه در میان خود تقسیم نمی‌کنند و از نفرین تمام مردمی که به نام شیاطین به تو نفرین می‌کنند.» بر اساس تحقیقات انجام گرفته در سال‌های پس از ساسانیان نیز استفاده و به‌کارگیری این کاسه‌ها رواج داشته‌ است. این کاسه‌ها بیشتر به وسیله پیروان دین‌های مختلف اعم از زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان، مندائیان، مسلمانان و حتی گروه‌های الحادی استفاده می‌شد. در بیشتر مواقع نقش غالباً یک کاسه به تنهایی شامل نام شیاطین دین‌های مختلف بوده‌ است. به نظر می‌رسد که دارندۀ کاسه می‌خواسته از شر تمام امور شیطانی ممکن در امان باشد. موانی یکی از کارشناسان موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا در مورد این کاسه‌ها چنین گفته‌ است: «متن این کاسه‌ها جمع‌های را نشان می‌دهد که در آن مردمی از مذاهب مختلف شانه به شانه یکدیگر زندگی می‌کردند و عقاید زیادی را در محدوده باورهای عمومی با یکدیگر مشترک بودند که الزاماً به وسیله رهبران آن مذاهب پذیرفته‌شده نبود.» وی می‌گوید: «البته این تأثیر همواره مثبت نبوده‌ است چرا که گاه خدایان یک گروه تبدیل به شیاطین گروه دیگر می‌شدند ولی به هر حال این آثار باستانی نشان می‌دهند که این گروه‌ها تا چه میزان در مورد باورهای یکدیگر آگاه بودند.»

ایالت هیرکانیه هخامنشیان در البرز شمالی، میراث متروک

■ یکی از ایالت‌های مهم هخامنشی، ایالت هیرکانیه یا ورکلند در محدوده تقریبی استان گلستان امروزی بود، با این حال کمتر کسی این استان و آثار تاریخی بازمانده از امپراتوری هخامنشیان و تاریخ این استان در این دوره را می‌شناسد. از همین‌رو کارشناسان بر این باورند که با کاوش‌ها و پژوهش‌ها در این زمینه در استان گلستان افزایش یابد سلسله هخامنشی توسط گوروش در سال ۵۵۹ پیش از میلاد تأسیس شد و ۲۲۰ سال بعد در زمان حکمرانی داریوش سوم و با حمله اسکندر در سال ۳۳۰ منقرض می‌شود. بسیاری از آثار تاریخی بازمانده از این سلسله شگوه‌مند در استان‌های فارس و خوزستان و بوشهر است، با این حال در شمال ایران و در منطقه البرز شمالی نیز استان هیرکانیه یکی از مناطق پراهمیت این امپراتوری بود که تاکنون کمتر شناسانده شده‌ است. در همین رابطه مهدی خلیلی دانشجو کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی که تحقیقاتی را در این‌باره انجام داده‌ است به CHN می‌گوید: «سلسله هخامنشیان متشکل از حدود ۳۰ ایالت بوده که شرقی‌ترین ایالت آن هند امروزی و غربی‌ترین تا شمال آفریقا، از شمال به جنوب روسیه امروزی و از جنوب به خلیج فارس امتداد داشته‌ است. یکی از ایالت‌های هخامنشی، ایالت هیرکانیه یا ورکلند (Vrkana) در محدوده تقریبی استان گلستان امروزی است که مرکز آن «زرت کر» بوده‌ است.» خلیلی می‌افزاید: «شواهد تاریخی نشان می‌دهد در سال ۵۴۹ پیش از میلاد هیرکانیه توسط گوروش بزرگ تصرف شد. در نخستین سال‌های حکومت داریوش اول، یکی از ۹ مخالفان حکومت وی، «فرزتی» اهل سرزمین ماد بود که بعدها هواداران آن، از پارتیان و هیرکانیان ضد حاکم ایالت به نام ویشتاسپه پدر داریوش برخاستند و ویشتاسپه با کمک فرزندانشان داریوش از راکاری (تواست شورش را بخوانند) آن‌گونه که این کارشناس‌ارشد رشته باستان‌شناسی تأکید می‌کند: «ورکلند یکی از استان‌های مهم هخامنشی بوده به همین دلیل والی آن از افراد خاص انتخاب می‌شد، مانند ویشتاسپ پدر داریوش‌اول، یا داریوش‌قبل قلم از به پادشاهی رسیدن والی هیرکانیه بوده‌ است. هردوت هیرکانیان را در فهرست مالیات‌دهندگان هخامنشی یاد نکرده‌ است ولی در کتاب هفتم خود در صحبت از ارتش خیابارشا در لشکرکشی به یونان، هیرکانیان را در یگان سوم نام برده‌ است. از حاکم‌های دیگر این ایالت می‌توان، از «خوس» (یکی از فرزندان اردشیراول) یا «ترفرنس» (در زمان داریوش‌سوم) نام برد. بعد از حمله اسکندر به ایران، وی شخصی به نام «امیناپ» را حاکم این ایالت کرد.» مهدی خلیلی تصریح می‌کند: «شواهد باستان‌شناسی نیز حاکی از آن است که در کتیبه بیستون به این ایالت اشاره شده‌ است.»

بی‌پاسخ گذاشته‌اند. یا آنکه از گستره بافت، کارکرد دقیق مجموعه‌ها و اجزای آن ناآگاه هستند. البته مبنای اطمینانی که ما از آن سخن می‌گوییم کاوشی روشمند و شایسته‌ است حال آن امکان دارد برخی در مقام دفاع بگویند خیر اینچنین نیست و ما دوره‌های فرهنگی و استقرارِی آن را می‌شناسیم؛ یعنی براساس همان سلیقه و برداشت سطحی که داشته و دارند و تازه اساس تمام مشکلات همین برداشت‌های سلیقه‌ای و سطحی‌نگری بی‌مبنا و قاعده‌درست است. برای هر کسی که با این بافت ارزشمند و گسترده آشنایی و آگاهی دارد این سوال پیش می‌آید چرا بعد از این همه سال فعالیت مداوم که سرمایه و اعتبار بسیار زیادی را نیز اتفاقا با خود داشت حتی یک مقاله شایسته یا کتابچه و کتابی منتشر نشده‌ است؟ بالاخره این همه کار باید یک خروجی خوب هم داشته باشد تا دیگران بتوانند از آن استفاده ببرند حداقل برای آگاهی خودشان. نتیجه همین فعالیت‌هاست که نگاه مردم و حتی مسوولانی که آشنایی با میراث ندارند، نگاهی شایسته و درخور نیست. زیرا بستر لازم را فراهم نکردیم؛ یعنی اجازه ندادند یعنی آقایی که سال‌هاست متولی هستند قادر به این برنامه‌ریزی‌ها نیستند و به دیگران هم این اجازه را نمی‌دهند، حداقل از فکر دیگران استفاده هم نمی‌کنند. گویا میراث سرمایه و نسق آن است و به شکلی انحصاری هر کاری که دوست دارند، انجام می‌دهند.

این باستان‌شناس در ادامه یادداشت خود می‌نویسد: بزرگ‌ترین مشکل این بافت یکی عدم حفاظت کالبدی از مجموعه و دوم تملک بخش‌هایی زیادی از آن توسط مردم به‌خصوص دامداران است. شهر قدیم دهدشت در دست در گوشه جنوب‌شرقی شهر دهدشت قرار دارد و اطراف آن را بافت شهری امروزی دربر گرفته‌ است. این موقعیت هم می‌تواند تهدید و خطر آفرین باشد و هم می‌تواند فرصت و سرمایه باشد اگر برنامه مشخص و هدفداری وجود داشته باشد، می‌بینیم که در اینجا فقط تهدید و خطر و آسیب و نگرانی است. با اینکه بخش‌های زیادی از مجموعه بنابر گفته مسوولان به‌وسیله سازمان میراث خریداری شده‌ است اما حضور دامداران و استفاده آنها از فضاهای معماری درون مجموعه جهت اسکان خود و دام‌هایشان همچنان یک مشکل اساسی است و گویا اعتبارات در نظر گرفته شده، کفایت نکرده‌ است. آنها به آسانی فضاهای معماری را اشغال کرده، تغییر کاربری داده و به هنگام ضرورت خود و نیازهایشان ساختار و شکل فضاها را تغییر می‌دهند. سگ‌های گله امکان بازدید از مجموعه را از هر کسی سلب می‌کنند. اینها مسائلی است که می‌شود با گفت‌وگو و رایزنی با مردم از یک‌طرف و با مسوولان از طرف دیگر، مشکلات را به حداقل رساند. مهم‌ترین مساله برای هر بازدیدکننده‌ای، امنیت است. حال آنکه نخستین امری که در بافت قدیم دهدشت مشهود است نبود امنیت و فضای خطرناکی است که دیده می‌شود. این فضا ۱۰ سال پیش، ۲۰۰۰ سال پیش همین گونه بوده و الان هم همین گونه است. پس این همه سال، این همه اعتبار و بروبیای برای چه بوده‌ است؟ وقتی که ما نتوانستیم گام اول که امنیت بوده را به‌خوبی برداریم اینها نشان می‌دهد که روش کار اشتباه بود تا روش برخورد با موضوع عوض نشود مشکلی هم حل نمی‌شود. مسوولان همچنین گفته‌اند قصد دارند حصارِی الهام گرفته از معماری سازه‌های درون بافت دور مجموعه بکشند تا مشکل نبود امنیت را حل کنند. اکنون که هنوز این کار را اجرایی نکردن هشدار می‌دهیم آیا به مخاطرات این کار هم اندیشیده‌اند؟ آیا جنبه‌های مثبت و منفی را کنار هم گذاشته‌اند تا ببینند کفه کدام سنگین‌تر است؟ اصلاً آیا تا حالا جنبه‌های منفی کار را هم دیده‌اند یا اینکه فقط به حصارکشیدن و اینکه معماری آن الهام گرفته‌ است دلخوش کرده‌اند؟ این سوالات را طرح کردم چون به چگونگی فکر برخی از آقایان که اتفاقاً طی سالیان گذشته تصمیم نهایی را گرفته و اکنون نیز می‌گیرند و خود را کارشناس و متخصص همه‌امور می‌دانند، آشنایی کافی و دقیق دارم. باید بدانیم با کشیدن حصار اتفاقاً فضا را برای معتادان و اراذل و اوباش که از خود از بدترین تهدیدات و آسیب‌های مجموعه هستند بهتر از پیش فراهم کرده‌ایم؛ یعنی باوجود هزینه زیاد، فایده و سود چندانی ندارد و مشکلی را حل نمی‌کند. بهتر است به‌جای حصار از فنس‌های موقت کامی مستحکم استفاده کرد چرا که اول با هزینه کمتر، صرفه اقتصادی بیشتری دارد. دوم عاملی موقت است که چنانچه مفید واقع نشد و پاسخ مناسبی از آن به دست نیامد به آسانی و بی‌آنکه از خود آسیبی به‌جای بگذارد قابل زدودن است. ضمن آنکه در صورت زدودن هزینه زیادی که قابل بازگشت نیست، هدر رفته‌ است.

سوم پس از آزمون و برآورد نتیجه کار چنانچه مفید واقع شد می‌توان از حصار استفاده کرد یا آنکه این کار را ادامه داد. چهارم فنس آسیب‌اندکی را به‌حریم منظرِی اثر وارد می‌کند حال آنکه حصار به‌کلی حریم منظرِی اثر را مخدوش می‌کند و تأثیر فرهنگی شایسته‌ای از خود بر جای نخواهد گذاشت. بنابراین پیش از هر گونه اقدامی مسوولان را از عواقب کار بر حذر داشته تا حداقل بر مشکلات متوجّه نبیزایند.

